

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۲۲

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۲۳-۲۳۸

اعتبارسنجی حدیث «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»

سیفعلی زاهدی فر*

◀ چکیده

انتساب هر حدیثی به پیامبر ﷺ مستلزم وجود سند برای آن حدیث است. در صورتی که هیچ سندی در متون روایی، برای آن حدیث یافت نشود، انتساب آن به پیامبر ﷺ صحیح نیست. در علم الحدیث، روایاتی را که در هیچ یک از منابع کهن روایی فریقین یافت نشود، با عبارت «لا اصل له» یعنی روایات بی اساس یاد می کنند. عرفا و فلاسفه بدون توجه به این قاعده مهم، انبوهی از روایات بی اساس را به پیامبر ﷺ نسبت داده اند که پالایش این احادیث نیاز به تلاشی گسترده دارد. از جمله این احادیث بی اساس، عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» است که به عنوان حدیث نبوی توسط عرفا و فلاسفه در منابع متعدد عرفانی و فلسفی استفاده شده است. این عبارت در هیچ یک از منابع معتبر روایی شیعی و اهل سنت نیامده است که عدم توجه محدثان به این عبارت، حدیث بودن آن را خدشه دار می سازد.

◀ **کلیدواژه‌ها:** احادیث عرفانی، تحریف، تخریب، موت ارادی.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان / s_zahedifar@yahoo.com

۱. درآمد

روایات اسلامی پس از قرآن، دومین و اساسی‌ترین منبع فهم اسلام به شمار می‌روند. روایات در به وجود آمدن علوم مختلف اسلامی از جمله تفسیر، فقه، اصول و... تأثیر تام و تمامی ایفا کرده‌اند. عرفا و فلاسفه نیز از این سرچشمه فیض بی‌نصیب نمانده و برای استوار کردن مبانی اعتقادی خویش، به روایات پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام تمسک جسته‌اند که متون مهم و معتبر و کلاسیک عرفانی و فلسفی، شاهد این مدعاست.

توجه به این نکته ضروری است که روایات در سیر تاریخی خود، با انواع آسیب‌ها از جمله بحران وضع و جعل به صورتی گسترده روبه‌رو شد و انبوهی از روایات ناصحیح، با هدف تخریب مبانی عقیدتی و اخلاقی مسلمانان برساخته شد و در میان جوامع روایی فریقین راه یافت. مجموعه‌ای از عوامل که در تاریخ حدیث اتفاق افتاد، دست به دست هم داد و باعث رهیافت شماری از روایات ضعیف یا اخبار ساختگی در میراث روایی شد که شماری از آن‌ها عبارت‌اند از ممانعت از کتابت و نقل احادیث در سده نخست، که مناسب‌ترین زمان برای ثبت این میراث بود، ورود اسرائیلیات در پی نفوذ اندیشمندان یهودی به ظاهر مسلمان در دستگاه خلافت، و پیدایش فرقه‌های کلامی و فقهی. پالایش متون روایی از احادیث غیر معتبر از مهم‌ترین وظایف علمای اسلام است.

کتب عرفانی و فلسفی از روایات توشه برگرفته و کمال استفاده را کرده‌اند، ولی مایه تعجب است که ایشان در به کار گرفتن احادیث، دقت کافی ننموده و غث و ثمین را به هم آمیخته، سره و ناسره را از هم تمییز نداده‌اند، به صحت یا ضعف حدیث توجهی ننموده و در درستی منابع احادیث، دقت کافی نکرده‌اند. کاروان عرفان در طول سالیان دراز، این شیوه را به کار بسته و احادیث مورد استفاده خویش را ارزیابی نکرده است.

پالایش متون روایی از احادیث غیر معتبر، از مهم‌ترین وظایف علمای اسلام است. نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این مسئله است که آیا عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» حدیث است؟ و آیا می‌توان این عبارت را به پیامبر ﷺ انتساب داد؟ به‌منظور پاسخ‌گویی به این سؤال با مراجعه به متون اولیه و کهن و معتبر حدیث

شیعه و سنی، معلوم می‌شود که عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در کتب روایی اصیل موجود نیست؛ بنابراین اطلاق کلمه «حدیث» بر این عبارت، صحیح نمی‌باشد و انتساب این سخن به رسول خدا شایسته نیست.

۲. طرح مسئله

اکثر علوم اسلامی در متون معتبر خویش از عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» با عنوان حدیث نبوی یاد کرده و حدیث بودن آن را مسلم انگاشته‌اند. عرفای بسیاری از جمله صائِن الدین بن ترکه (ابن ترکه، ۱۳۹۱ش، ص ۴۵) و عارف بزرگ کمال‌الدین خوارزمی از شارحان فصوص الحکم (خوارزمی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸۰، ۲۸۸ و ۹۳۷؛ همو، ۱۳۸۴ش، ص ۹۵، ۳۲۷ و ۳۲۹) و همچنین عارف نامدار نجم‌الدین رازی (رازی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۵۹، ۳۶۴ و ۳۸۶) و نجم‌الدین کبری (نجم کبری، ۱۳۸۰ش، ص ۳۷) از این عبارت استفاده نمودند. سلطان ولد (۱۳۶۷ش، ص ۱۶۹) و مولوی (۱۳۸۵ش، ص ۱۲) به‌عنوان حدیث به آن استشهاد کرده‌اند. اسفراینی (۱۳۵۸ش، ص ۶۷) و فرغانی، شارح آثار ابن فارض (فرغانی، ۱۳۹۸ق، ص ۱۵۲) نیز به آن تمسک جسته‌اند. در کتب فلسفی نیز از این عبارت استفاده شده است. فیلسوف بزرگ صدرالمُتألهین شیرازی در برخی از آثار خود به آن استشهاد کرده است. (ملا صدرا، ۱۳۸۰ش، ص ۷۰۰) کتب فلسفی عرفانی متأخر نیز از آن استفاده کرده است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹ش، ص ۸۰۴، ۹۰۰ و ۹۱۴؛ آشتیانی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۸۰ و ۵۴۰) برخی آثار کلامی نیز از آن بهره جسته‌اند. (نسفی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵۱ و ۲۳۸) متأسفانه مفسران نیز در کتب تفسیر به آن استشهاد کرده‌اند. کتب تفسیری عرفانی (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۴۹؛ حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۳، ۲۰۲، ج ۲، ص ۴۲۳) و حتی کتب تفسیری غیر عرفانی نیز از آن استفاده کرده‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۹۲) شایان ذکر است که این آموزه قبل از اسلام نیز مورد توجه حکما بوده است؛ چنان‌که از افلاطون نقل شده که وی طالب حکمت را اینچنین توصیه کرده است که «مُت بِالارَادَةِ تَحِيَّةً بِالطَّبِيعَةِ».

پیش‌تر از مرگ خود ای خواجه میر تا شوی از مرگ خود ای خواجه میر

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹ش، ص ۸۰۴)

۳. «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در کتب روایی

در بعضی از قسمت‌های بحار الانوار به «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» استشهاد شده، اما به حدیث بودن آن تصریح نشده است. (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶۶، ص ۳۱۷) در حالی که در برخی از مجلدات بحار الانوار با عنوان حدیث مشهور از آن نام برده شده است. (همان، ج ۶۹، ص ۵۹) در کتاب *مرآة العقول* نیز مجلسی این جمله را به عنوان روایت پذیرفته و چنین آورده است. و قوله علیه السلام: «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا». (مجلسی، ۱۳۶۳ش، ج ۸، ص ۳۲۹)

مازندرانی شارح *اصول کافی* نیز در اثر خود همچون مجلسی، عباراتی را ذکر کرده است که از بعضی از آن‌ها استنباط می‌شود که وی این جمله را روایت می‌دانسته است؛ مانند وقوله علیه السلام: «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا». (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۹، ص ۷۷) اما در برخی از مجلدات آن کتاب، تصریحی به حدیث بودن آن وجود ندارد. (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۲، ج ۱۰، ص ۲۲۸). برخی از شارحان شیعی *نهج البلاغه* نیز آن را روایت دانسته‌اند (خویی، بی تا، ج ۷، ص ۲۴، ۵۱ و ۲۴۴) و حال آنکه در هیچ‌یک از منابع روایی شیعی، این روایت از هیچ سند و منبعی برخوردار نیست. هرچند علامه مجلسی در برخی از مجلدات بحار الانوار آن را روایت دانسته، در هیچ‌یک از کتاب‌هایش منبع و سندی ارائه نکرده است.

در مصادر شیعی، روایاتی وجود دارد که شباهتی به مضمون این عبارت دارد؛ مانند «أُخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبُكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أُنُفُسُكُمْ؛ دل‌هاتان را از دنیا خارج نمایید پیش از آنکه بدن‌هاتان را از آن بیرون برند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴) همچنین عبارت «عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا؛ بندگان خدا، خودتان را در دنیا بمیزان عدل بسنجید. در راه راست قدم نهاده از خدا و رسول پیروی کنید، پیش از آنکه در آخرت بمیزان عمل سنجیده شوید و بحساب خویش رسیدگی کنید، از کارهای زشت پشیمان شده توبه نمایید، پیش از آنکه حساب شما را واری نمایند.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰) مهم این است که با عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» حدیثی گزارش نشده است. اما در متون اهل سنت، هیچ‌یک از محدثان، حدیث بودن آن را حتی به صورت احتمال هم نپذیرفته‌اند.

۴. «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در کتب تخریج

بسیاری از مفسران، فقها، اصولیون و علمای ادب، در آثارشان از روایاتی استفاده کرده‌اند که احیاناً فاقد سند بوده و مرجع آن نامشخص است. بدیهی است در این گونه از موارد، تمییز روایات صحیح از ضعیف و جعلی، کاری دشوار و در شرایطی غیرممکن است. با توجه به این مطلب، عده‌ای از محدثان اهل سنت، به منبع‌شناسی این گونه روایات پرداخته و کتبی تألیف کرده‌اند که نام عمومی آن‌ها «تخریج» است. (معارف، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۷) مطلب دیگری که در همین زمینه جلب نظر می‌کند، تخریج احادیثی است که بر سبیل پند و مثل در بین مردم رواج و شهرت داشته است. از آنجا که در این روایات نیز مطالب سقیم و صحیح به هم آمیخته است، گروهی از محدثان، با تألیف کتبی به تحقیق در منابع این احادیث و کیفیت آن‌ها از نظر ارزش و اعتبار روی آورده‌اند. (همان‌جا) پس وظیفه کتب تخریج، منبع‌یابی احادیث و ارزیابی آن‌هاست.

غالب کتب تخریج از قول ابن حجر نقل کرده‌اند که حدیث بودن این جمله ثابت نشده است. (سخاوی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ ابن درویش، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۵؛ عجلونی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۶۶۶) برخی نیز آن را جزء احادیث موضوعه دانسته و در کتب مربوط به آن جای داده‌اند. (الکرمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰؛ الفاری الهروی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۱۹۸)

۵. «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در متون عرفانی

کهن‌ترین متن عرفانی که این عبارت به‌عنوان حدیث نبوی در آن به کار رفته، کتاب ختم الاولیاء حکیم ترمذی است. (ترمذی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۴) وی در قرن سوم هجری می‌زیسته است. تا اواخر قرن ششم هجری در متون عرفانی به متنی که از این حدیث استفاده کرده باشد دیده نمی‌شود. برای مثال دو عارف بزرگ امام محمد غزالی و عین‌القضات همدانی از این حدیث استفاده نکرده‌اند و اتفاقاً غزالی صورت صحیح حدیث را در *احیاء العلوم* (۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴) به کار برده است. کتاب‌های این دو استاد عرفان پُر از آیات قرآن و احادیث نبوی است؛ با این همه به این حدیث توجهی نکرده‌اند. عارف بزرگ بقلی شیرازی در کتاب *تقسیم الخواطر* (۱۴۲۸ق، ص ۲۰۹) از

این عبارت استفاده کرده است. او به سال ۶۰۶ هجری بدرود حیات گفته است، پس نگارش این کتاب به اواخر قرن ششم برمی‌گردد. نجم‌الدین کبری که معاصر وی می‌باشد در کتاب *فوائح الجمال* این عبارت را حدیث نبوی دانسته و از آن بهره برده است. (الکبری، ۱۴۲۶ق، ص ۹۱) محقق ترمذی در کتاب مهم معارف ترمذی از آن استفاده کرده است. (ترمذی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۹) عارف واصل نجم رازی در نوشته‌های خود بدان استشهاد کرده است. (رازی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۰؛ همو، ۱۳۶۶ش، ص ۳۵۹) متون قرن هفتم و بعد از آن آکنده از این حدیث است. نویسندگان این دوره به‌طور جزم این عبارت را حدیث تلقی کرده و بدان استشهاد کرده‌اند. استشهاد به کتاب‌های عرفانی قرون بعد ثمره علمی چندانی ندارد و کمتر کتابی یافت می‌شود که از این عبارت به‌عنوان حدیث یاد نکرده باشد. ابن عربی و اتباع وی و ملا صدرا و فیلسوفان پیرو حکمت متعالیه بسیار از این حدیث استفاده کرده‌اند که در قسمت طرح مسئله به منابع آن اشاره شده است. درباره ریشه‌های روایی این مضمون می‌توان به روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ابوبکر اشاره کرد. حدیثی در کتب صوفیه نقل شده است به این مضمون که «من اراد ان ينظر الی میت یمشی علی وجه الارض فلینظر الی ابن ابی قحافه؛ هر کس که می‌خواهد مرده‌ای را ببیند که بر روی زمین حرکت می‌کند به ابوبکر نگاه کند.» (الهمدانی، ۱۳۴۱ش، ص ۱۴ و ۵۲؛ تبریزی، ۱۳۵۶ش، ص ۱۵۸) جالب توجه است که عین‌القضات همدانی روایت مربوط به ابوبکر را در کتاب خویش ذکر کرده اما از «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» استفاده نکرده است و این عدم توجه از دو حال خارج نیست یا در دوران وی این عبارت و روایت مطرح نشده بود و یا او این عبارت را حدیث نبوی نمی‌دانست. احتمال دوم قوی‌تر است؛ زیرا قبل از عین‌القضات، ترمذی از آن استفاده کرده بود. درباره روایت مربوط به ابوبکر باید به این مسئله توجه کرد که این روایت نیز در هیچ‌یک از متون روایی وجود ندارد و از نظر علم الحدیث بی‌اساس به شمار می‌آید و فقط کتب صوفیه آن را نقل کرده‌اند. شاید تصور شود حدیث مربوط به ابوبکر منشأ عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» باشد اما این تصور درست نیست؛ زیرا قدیمی‌ترین متونی که حدیث مربوط به ابوبکر را گزارش کرده‌اند از قرن ششم فراتر نمی‌رود. (الهمدانی، ۱۳۴۱ش، ص ۱۴ و ۵۲؛ میبیدی، ۱۳۹۳ش، ج ۹، ص ۳۲۷) درحالی‌که

سابقه عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» به قرن سوم می‌رسد. به نظر می‌رسد آنچه نویسنده این سطور بیان کرده است مبنی بر اینکه «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» تحریف یافته حدیث «تُوبُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» باشد، پذیرفتنی و قابل دفاع باشد.

۶. نظر نگارنده

آنچه در کتب روایی اعم از شیعه و اهل سنت در این باره ذکر شده، روایتی است به صورت «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» و یا به شکل مختصر «تُوبُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا». حدس نگارنده بر آن است که عرفا صورت این روایت را تغییر داده و به شکل «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» درآورده‌اند. جالب آنکه در هیچ یک از کتب عرفانی، صورت صحیح حدیث که در کتب روایی ذکر شده، مورد استشهاد قرار نگرفته است. به جز غزالی که در کتاب *احیاء العلوم* (۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴) ذکر کرده است. شکل اصلی روایت که در متون بسیاری از فریقین نقل شده است، معنی مطلوب و قابل قبولی دارد که پیامبر ﷺ انسان‌ها را قبل از مردن به توبه دعوت می‌کند که با آیات فراوانی از قرآن نیز هماهنگ است. برای نمونه آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید» (تحریم: ۸) را می‌توان نام برد، درحالی که جمله «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» هیچ معنای واضح و صریحی ندارد. برای همین برخی در تفسیر آن موت اختیاری را مطرح کرده‌اند (قیصری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۱) و برخی دیگر آن را کنایه از کشتن و سرکوب کردن امیال نفسانی قلمداد کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶۶، ص ۳۱۷) در کتب روایی متن کامل حدیث به صورت ذیل گزارش شده است: «أخبرنا عبدالله بن يوسف الأصبهاني، إمامنا حدثنا أبو بكر عبدالله بن أحمد بن طاهر النسوي بنيسابور، حدثنا أبو عبدالله محمد بن أيوب البجلي، حدثنا عبيد بن يعيش، حدثنا الوليد بن بكير، عن عبدالله بن محمد العدوي، عن علي بن زيد بن جدعان، عن سعيد بن المسيب، عن جابر بن عبدالله، قال: خطبنا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) في يوم الجمعة فقال: "يا أيها الناس توبوا إلى ربكم قبل أن تموتوا، وبادروا بالأعمال الزاكية من قبل أن تشغلوا، وصلوا الذي بينكم وبين ربكم بكثرة ذكركم إياه، والصدقة في السر والعلانية، تجبروا، وتنصروا، وترزقوا؛" جابر بن عبدالله انصاري نقل می‌کند که در روز جمعه‌ای پیامبر ﷺ ما را مورد خطاب قرار داده فرمودند: ای مردم

قبل از اینکه بمیرید با توبه به سوی خداوند برگردید و به انجام اعمال پاکیزه شتاب کنید قبل از اینکه به کارهای دیگر سرگرم شوید و با ذکر فراوان پروردگارتان بین خود و خدا ارتباط برقرار کنید و در آشکار و نهان مستمندان را کمک کنید که کاستی هایتان جبران می شود و یاری می شوید و روزی دریافت می کنید.» (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۴) با توجه به اینکه بیشتر روایات به صورت نقل به معنا گزارش شده اند، متن این حدیث نیز در منابع گوناگون با اندک تغییراتی نقل گردیده است؛ مثلاً ابن ماجه متن حدیث را به صورت ذیل گزارش کرده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ حَدَّثَنَا أَبُو الْوَلِيدِ بْنُ بُكَيْرٍ أَبُو خَبَّابٍ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَدَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ خَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) فَقَالَ: "خطبنا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فقال: يا أيها الناس توبوا إلى الله قبل أن تموتوا، وبادروا بالأعمال الصالحة قبل أن تشغلوا، وصلوا الذي بينكم وبين ربكم بكثره ذكركم له وكثرة الصدقة في السر والعلانية، ترزقوا و تنصروا و تجبروا؛ جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که در روز جمعه ای پیامبر ﷺ ما را مورد خطاب قرار داده فرمودند: ای مردم قبل از اینکه بمیرید با توبه به سوی خداوند برگردید و به انجام اعمال صالح شتاب کنید قبل از اینکه به کارهای دیگر سرگرم شوید و با ذکر فراوان پروردگارتان بین خود و خدا ارتباط برقرار کنید و در آشکار و نهان مستمندان را فراوان کمک کنید که کاستی هایتان جبران می شود و یاری می شوید و روزی دریافت می کنید.» (ابن ماجه، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۲)

۱-۶ حدیث «تُوبُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در منابع شیعه

در منابع شیعی طبق تتبع نگارنده، دیلمی اولین کسی است که این عبارت را با عنوان حدیث در کتاب خود به صورت ذیل ذکر کرده است: «عن أبي الدرداء قال: "خطبنا رسول الله (صلى الله عليه وآله) يوم جمعة"، فقال: "يا أيها الناس، توبوا إلى الله قبل أن تموتوا، وبادروا بالأعمال الصالحة قبل أن تشتغلوا، وأصلحوا الذي بينكم وبين ربكم تسعدوا، وأكثروا من الصدقة ترزقوا، وأمروا بالمعروف تحصنوا، وانهاوا عن المنكر تنصروا؛ جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که در روز جمعه ای پیامبر ﷺ ما را مورد خطاب قرار داده فرمودند: ای مردم قبل از اینکه بمیرید با توبه به سوی خداوند

برگردید و به انجام اعمال صالح شتاب کنید قبل از اینکه به کارهای دیگر سرگرم شوید و ارتباط بین خود و خدا را نیکو گردانید تا به سعادت برسید و فراوان صدقه دهید تا روزی داده شوید و امر به معروف کنید تا حفاظت شوید و نهی از منکر کنید تا یاری شوید.» (الدیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰)

حسن بن ابی الحسن دیلمی از دانشمندان قرن هشتم هجری، در منبع مذکور، این عبارت را بدون ذکر سند از «أبو الدرداء» روایت کرده است. گفتنی است که تمامی روایات این کتاب بدون سند است. این کتاب از منابع بحار الانوار بوده و مورد استفاده مجلسی قرار گرفته است. مجلسی این روایت را در بحار الانوار به نقل از دیلمی ذکر کرده است. (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۹۰، ص ۲۸۲)

نتیجه اینکه این روایت فقط در متون اهل سنت روایت شده و در متون شیعی وجود ندارد. جالب اینکه در متون اهل سنت نیز کسی از ابوالدرداء روایت نکرده، بلکه اکثر نقل‌ها از جابر بن عبدالله و تنها یک مورد از طلحة بن عبدالله است. (ابن باغندی، ۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰)

۲-۶ حدیث «نُوبُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» در منابع اهل سنت

۱. این روایت در برخی متون اهل سنت آمده که از آن جمله در یکی از کتب صحاح سته گزارش شده است. (ابن ماجه، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۲) در برخی از سنن که در مرتبه بعد از صحاح سته قرار می‌گیرند، مانند کتاب بیهقی نیز آمده است. (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۷۱) این روایت در مسانید متعددی نیز ذکر شده است. (ابویعلی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۲۴؛ نجدی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۵۷؛ قضاعی، ۱۳۶۶ق، ج ۳، ص ۱۱۵ و ۱۱۷؛ ابن باغندی، ۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ عواد، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۲۴) از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در تاریخ تمدن اسلامی نوشته شده‌اند، کتاب‌هایی موسوم به امالی هستند. کتاب‌های متعددی اعم از شیعه و اهل سنت در این زمینه نگارش شده است که برخی، این کتاب‌ها را به منزله اصول تلقی می‌کنند. این روایت در یکی از کتاب‌های امالی هم گزارش شده است. (ابن الشجری، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۴۹۶) غیر از این موارد نیز کتب روایی معتبر متعددی این حدیث را گزارش کرده‌اند. (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۴؛ المنذری، ۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۹۶؛ ج ۲، ص ۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۷،

ص ۱۲۳۶؛ طبرانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۶) کسانی که به شرح اعتقادات اهل سنت و جماعت پرداخته‌اند؛ از جمله لالکائی نیز به این حدیث توجه نشان داده‌اند. (لالکائی، بی تا، ج ۵، ص ۴۸)

۷. بررسی فقه الحدیثی «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»

چنان‌که محدثان گفته‌اند شرح یک حدیث متوقف بر اثبات صدور آن می‌باشد؛ یعنی ابتدا باید اصل صدور حدیث ثابت شود؛ سپس محدث به فهم و شرح آن اقدام کند. (مسعودی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۲؛ نصیری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۸۱؛ ربانی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۲) عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» به طرق گوناگونی از طرف محدثان، عرفا و فلاسفه شرح و تفسیر شده است. برداشت محدثان با عرفا متفاوت است. محدثان بیشتر بر دوری از شهوات و احیای عقل و دست یافتن به حیات طیبه پرداخته‌اند، اما عرفا این عبارت را بر اصطلاحات خود حمل کرده‌اند؛ مانند موت اختیاری، فنا، بقا و درک امور آخرت.

ابتدا نظر برخی از محدثان در رابطه با این عبارت ذکر می‌شود. یکی از شارحان نهج‌البلاغه این عبارت را چنین تفسیر کرده است: «مؤمن باید از خواب غفلت بیدار شود و نفسش را به وسیله قطع علایق دنیوی و نفسانی بمیراند تا به مقام «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» بار یابد که در آن وقت، از حسرت بعد از مرگ رهایی می‌یابد و در جوار خداوند رحمان به حیات طیبه دائمی دست می‌یازد.» (ابن میثم، بی تا، ج ۱، ص ۶) مجلسی نیز «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» را چنین شرح کرده است: «احیاء عقل به وسیله تحصیل معارف ربانی و تسلط آن بر شیطان و نفس اماره، و میراندن نفس به طوری که کاملاً مقهور و تحت سیطره عقل باشد و جز به حکم و دستور او عمل نکند و در از بین رفتن شهوات نفسانی همچون مرده باشد، چنانچه گفته شده است: «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶۶، ص ۳۱۷) زهد و کناره‌گیری از لذات و مشتهیات دنیوی و عدم نیاز و علاقه به امور مادی، همچون مرده. (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶۹، ص ۵۹) مازندرانی نیز همچون دیگر محدثان بیان کرده است. (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۰، ص ۹۲)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، حداکثر چیزی که محدثان در شرح این عبارت بیان کرده‌اند، این است که فرد باید از لذات نفسانی و هوی و هوس و مشتهیات دنیوی

دوری گزیند تا بدین وسیله عقل او احیا گشته و به حیات طیبه دست پیدا کند. برخی از عرفا نیز همچون محدثان سخن رانده‌اند. رازی در کتاب خویش فصلی را با این عنوان گشوده است: «در مردگی نفس از صفات ذمیمه و زندگی دل به صفات حمیده میسر شود که مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (رازی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۶۴) و در شرح آن چنین گوید: «این صفت طایفه‌ای است که پیش از مرگ، صورتی به اشارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» به مرگ حقیقی بمرده‌اند و چون پیش از مرگ بمردند، حق تعالی ایشان را پیش از حشر زنده کرد.» (همان، ص ۳۸۶) بنابراین رازی نیز بیش از آنچه محدثان بیان کرده‌اند، سخن نگفته و از اصطلاحات محض عرفانی استفاده نکرده است.

اکنون به شرح برخی فلاسفه و عرفا از این عبارت پرداخته می‌شود. قیصری مهم‌ترین شارح *فصوص الحکم* در شرح این عبارت گوید: «روی برگرداندن از متاع دنیا و لذات آن و توجه نکردن به خواهش‌های نفس، و تبعیت نکردن از هوی و هوس را موت نامیده‌اند؛ زیرا به سبب آن برای سالک آنچه را که برای میت آشکار می‌گردد، منکشف می‌شود.» (قیصری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۱) خوارزمی در این باره چنین گفته است: «پس ایشان مشاهده می‌کنند که از خویش مرده‌اند و رخت هستی به حق سپرده و از قبور ابدان خود منشور گشته و با ممتثلات امر مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا محسوس گشته و حجاب از نظر مرفوع شده و میزان الصراط موضوع شده است.» (خوارزمی، ۱۳۸۷ش، ص ۹۳۷) چه ایشان به حکم «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» حدید البصر و مکشوف الغطاء عن النظر و مطلع بر سر قدرند و این، مشاهده حاصل نمی‌شود مگر بعد از فنای تام در حق و بقای کلی به بقای ذات مطلق. (همان، ص ۱۸۰)

صدرالمتألهین در کتاب *المبدأ والمعاد* از این عبارت تفسیری مطابق با مضامین عرفانی ارائه می‌دهد. حواس ظاهری توان ادراک امور مربوط به آخرت را در این دنیا ندارد؛ زیرا روز آخرت از جنس روزهای دنیوی نیست و زمین و آسمان آن نیز غیر از زمین و آسمان طبیعی فعلی است. اما امور آخرت در این دنیا برای انبیا و اولیا به سبب غلبه و تسلط امور اخروی بر قلب‌های این افراد بر ایشان ظاهر می‌شود؛ زیرا این افراد از به کار بردن مشاعر و حواس در مشتتهیات نفسانی و لذات جسمانی به واسطه مرگ ارادی که حاصل از دوری آن‌ها از زخارف دنیوی است، اعراض نموده‌اند. چنانچه

پیامبر ﷺ فرمود «موتوا قبل ان تموتوا» یعنی حواس ظاهری را از احساس بازدارید تا قبل از مرگ طبیعی شما مشاعر ادراک امور آخرت برایتان حاصل شود. (ملاصدرا، ۱۳۸۰ش، ص ۷۰۰)

سید جلال‌الدین آشتیانی از شارحان مهم حکمت متعالیه در تفسیر این عبارت که آن را حدیث نیز دانسته، مطالب ملاصدرا را تکرار کرده است. وی چنین می‌نویسد: «حواس را از احساس بازداشته و تهی کنید تا قبل از مرگ طبیعی، مشاعر ادراک امور آخرت برای شما باز شود.» (آشتیانی، ۱۳۸۰ش، ص ۵۴۰) چنان‌که ملاحظه می‌شود عرفا مطالبی بسیار بیشتر از آنچه محدثان گفته‌اند، به شرح این عبارت افزوده‌اند. کسی که به این مقام می‌رسد، امور آخرت را درک می‌کند و پرده‌ها از چشمش کنار می‌رود و بر سر قدر واقف می‌شود؛ همچون یک انسان مرده که بعد از مرگ به حقایق عالم پس از مرگ اطلاع حاصل می‌کند، انسان‌هایی که با موت ارادی می‌میرند همچون مردگان قبل از مرگ طبیعی خویش به احوال عالم آخرت واقف می‌شوند و حتی اوصاف انسان آخرتی را هم به خود می‌گیرند. از دیگر طالبی که عرفا به این بحث اضافه کرده‌اند، تقسیم موت به احمر، ابیض، اخضرو اسود است. (ابن عربی، ۱۹۷۵م، ج ۴، ص ۱۴۵) موت احمر یا مرگ سرخ که عمل کردن برخلاف خواسته‌های نفس و کشتن نفس اماره است. موت ابیض یا مرگ سفید که گرسنگی است و باطن انسان را نورانی و قلب را سفید و درخشان می‌کند. موت اخضر یا مرگ سبز که عبارت است از پوشیدن لباس مندرس و وصله‌دار که موجب نشاط و سرزندگی باطن می‌شود. موت اسود یا مرگ سیاه که همانا تحمل اذیت و ملامت مردم است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹ش، ص ۸۰۴) برخی از محققان مطالب فوق را برگرفته از تعلیمات بودایی می‌دانند که عینا در عرفان اسلامی نفوذ کرده است. (نفیسی، ۱۳۸۵، ص ۶۲) تقسیم‌بندی دیگری که از انواع موت انجام گرفته است مربوط به نسفی عارف قرن هفتم هجری است. وی چنین گوید: «موت دو نوع است: یکی صورتی و یکی معنوی. موت معنوی آن است که به اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده موصوف و متخلق نباشد. و موت صورتی آن است که روح از قالب جدا شود و مراد از موتوا قبل ان تموتوا آن است که روح از قالب جدا نشود از اخلاق ذمیمه و اوصاف ناپسندیده بمیرد پیش از آنکه روح از قالب جدا

شود. و قیامت صغری آن است که به موت صورت بمیرد که هر که به موت صورت مرد قیامت وی آمد و قیامت کبری آن است که زنده شود. (نسفی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۴) وی این تقسیم‌بندی را مربوط به اهل شریعت می‌داند. او نظر اهل عرفان را در این زمینه چنین توضیح می‌دهد: «اهل وحدت می‌گویند که حیات چهار نوع است: حیات صورتی و حیات معنوی و حیات طیبه و حیات حقیقی. و موت هم چهار نوع است: موت از حیات صورتی و موت از حیات معنوی و موت از حیات طیبه و موت از حیات حقیقی.» (همان، ص ۲۴۴) هر چند تقسیم‌بندی نسفی بدیع است، آن‌گونه که ملاحظه شد نسفی در برداشت از عبارت «موتوا قبل ان تموتوا» چیزی فراتر از گفته اهل شریعت استفاده نکرده و با اینکه وی از عارفان بنام مسلمان است، در موت اختیاری از این عبارت استفاده نکرده است.

۸. نتیجه

عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» صورت تحریف‌یافته روایت «تُوبُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» است که در منابع متعدد از جمله صحاح، مسانید و کتب امالی ذکر شده است. هر چند این روایت در متون شیعی گزارش نشده، در برخی از منابع روایی شیعی، به نقل از اهل سنت آمده است. تفسیری که عرفا و فلاسفه از عبارت «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» دارند، منطبق بر اصطلاحات خاص آن‌ها همچون موت ارادی، آگاهی و ادراک عوالم پس از مرگ توسط سالک و کنار رفتن پرده‌ها از دیدگان او و فنای تام در حق است. در حالی که محدثان این عبارت را به معنای دوری از شهوات نفسانی و کنار زدن هوی و هوس می‌دانند که موجب احیای عقل و رسیدن به حیات طیبه می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی‌جا: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۱ش.
۳. آشتیانی، سید جلال‌الدین، شرح المبدأ و المعاد، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۴. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق محمد حسین العرب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۵. ابن باغندی، محمد بن محمد، مسند عمر بن عبدالعزیز، مدینه: دارالمنهاج، ۱۴۳۰ق.

۶. ابن ترکه، علی بن محمد، چهارده رساله فارسی، تصحیح سید محمود طاهری، آیت اشراق، ۱۳۹۱ ش.
۷. ابن درویش بن محمد الحوت، محمد، اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۸. ابن الشجرى، هبة الله بن علی، الامالی الشجریه، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۲ق.
۹. ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیه، به کوشش عثمان یحیی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۵م.
۱۰. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید، السنن لابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۱. ابن میثم، میثم بن علی، شرح علی المائة کلمه لأمیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، تصحیح میرجلال الدین الحسینی المحدث، بی تا.
۱۲. ابویعلی، مسند ابی یعلی الموصلی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۳. اسفراینی، نورالدین عبد الرحمن، کاشف الاسرار، تحقیق هرمان لندلت، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۵۸ ش.
۱۴. بقلی شیرازی، تقسیم الخواطر، تحقیق احمد فرید المزیدی، قاهره: دار الآفاق العربیه، ۱۴۲۸ق.
۱۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، السنن الکبری، تحقیق محمد بن القادر عطا، مکه: دارالبازف، ۱۴۱۴ق.
۱۶. —، شعب الایمان، تحقیق محمد السعید بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۷. تبریزی، شمس الدین محمد، مقالات شمس تبریزی، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶ ش.
۱۸. ترمذی، حکیم، ختم الاولیاء، تحقیق عثمان یحیی، بیروت: مهد الآداب الشرقيه، ۱۴۲۲ق.
۱۹. ترمذی، برهان الدین حسین، معارف، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. حسن زاده آملی، حسن، شرح العیون فی شرح العیون، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲۱. حقی برسوی، اسماعیل، روح البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۲. خویی، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تصحیح سید ابراهیم میانجی، قم: دار الهجرة، بی تا.
۲۳. خوارزمی، کمال الدین حسین، ینوع الأسرار فی نصائح الأبرار، به کوشش مهدی درخشان، تهران:

- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۲۴. —، شرح فصوص الحکم، به کوشش حسن حسن زاده آملی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۲۵. الدیلمی، الحسن بن ابی الحسن، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۲۶. رازی، نجم‌الدین، مرصاد العباد، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ش.
۲۷. —، منارات السائرین الی حضرت الله و مقامات الطائریین، تحقیق عاصم ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
۲۸. ربانی، محمدحسن، اصول و قواعد فقه الحدیث، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۲۹. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، المقاصد الحسنه، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ق.
۳۰. سلطان ولد، بهاء‌الدین محمد بن جلال‌الدین، معارف، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات مولا، ۱۳۶۷ش.
۳۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، المبدأ والمعاد، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۰ش.
۳۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، الاحادیث الطوال، تحقیق عطا مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۳۳. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
۳۴. عواد، بشار، المسند الجامع لأحادیث الکتب الستة و مؤلفات أصحابها الأخری، السید أبو المعاطی النوری، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۳ق.
۳۵. غزالی، محمد، احیاء علوم‌الدین، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۲ق.
۳۶. فرغانی، سیف‌الدین سعید، مشارق الدراری، تصحیح جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۹۸ق.
۳۷. القاری الهروی المکی، علی، المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع، تحقیق عبدالفتاح ابو غده، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۸ق.
۳۸. قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب قضاعی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۳۶۶ق.
۳۹. قیصری رومی، محمد داود، شرح فصوص قیصری، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
۴۰. الکبری، نجم‌الدین، فوائح الجمال و فوائح الجلال، تحقیق یوسف زیدان، قاهره: دار السعد الصباح، ۱۴۲۶ق.
۴۱. الکریمی، مرعی، الفوائد الموضوعة فی الاحادیث الموضوعه، بی‌جا، بی‌تا.
۴۲. لالکائی، حسین منصور طبری شافعی، شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة، تحقیق محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

۲۳۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال یازدهم، شماره بیست و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۴۳. مازندرانی، صالح، شرح اصول الکافی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۴. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۱ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۴۷. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران- قم: دار الحدیث و سمت، ۱۳۸۶ش.
۴۸. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۷ش.
۴۹. المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب و الترهیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۸ق.
۵۰. مولوی، جلال الدین، فیہ مافیہ، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۵ش.
۵۱. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۹۳ش.
۵۲. نجدی، محمد، مسند عبد بن حمید، تحقیق صبحی البدری السامرائی، بیروت: مکتبه النهضة العربیه، ق ۱۴۰۸.
۵۳. نسفی، عزیز، کشف الحقایق، به کوشش سید علی اصغر میرباقری فرد، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۱ش.
۵۴. نصیری، علی، روش شناسی نقد احادیث، قم: مؤسسه معارف وحی و خرد، ۱۳۹۰ش.
۵۵. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵ش.
۵۶. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۵۷. الهمدانی، عین القضاة، تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی